

بررسی و تبیین سازماندهی انتظام فضایی در معماری خانه‌های سنتی (نمونه موردی: خانه تیزنو دزفول)

حامد حیاتی^۱، وفا صفرپور بهبهانی^۲

^۱گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، گروه معماری، اهواز، ایران.

چکیده

هنرمندان گذشته ما می‌دانستند که از «چه چیز»، «چه مقدار» و «در کجا» استفاده کنند و بدینسان تداوم فرهنگ معماری حفظ می‌شد. اصلی‌ترین شاخص که براساس آن می‌توان به بسط مفهوم خانه پرداخت، فضا است. شیوه بهره‌مندی از فضا در معماری ایرانی، شیوه درونگرایانه بوده است و سازماندهی فضا در خانه‌های سنتی، ارتباط چند جانبه فضا با یکدیگر است. هیچ فضایی در این خانه‌ها در خود تمام شده و مسدود نیست، هر فضایی در عین استقلال کامل، امکان ترکیب با پیرامون خود را دارد.

در این مقاله ابتدا تعریفی از سازماندهی فضایی در خانه‌های سنتی شده است و سپس نمونه‌ای از خانه‌های سنتی به نام خانه تیزنو دزفول مورد مطالعه قرار گرفته است. و نتیجه حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که در طراحی خانه‌های سنتی ایران معمار آشنایی کامل با نحوه ساماندهی و سازماندهی فضاها با یکدیگر براساس باورهای فرهنگی و دینی داشته است.

کلمات کلیدی: سازماندهی فضایی، سلسله مراتب، معماری ایرانی، ارتباط فضایی.

۱- مقدمه

معماری امروز ما بنا به دلایل متعددی، در بسیاری از زمینه ها دچار نقصان و کمبودهایی است که باعث می شود برآیند معماری موجود، در نقش و جایگاه مورد انتظار از آن قرار نگیرد. در این میان و از جمله مسائلی که همیشه ذهن طراحان را به خود مشغول می دارد، رسیدن به یک معماری اصیل و با هویت، در عین پاسخگویی و تناسب با خواسته های جامعه امروز است (پوردیهیمی، ۱۳۹۰، ص ۳).

هنرمندان گذشته ما می دانستند که از «چه چیز»، «چه مقدار» و «در کجا» استفاده کنند و بدینسان تداوم فرهنگ معماری حفظ می شد (طیسی، مختاری، ۱۳۹۳). بنابراین در میان تفکرات حاکم بر جامعه معماری و روش هایی که برای رسیدن به یک معماری مطلوب مورد نظر بوده اند، ارجاع به گذشته نیز سهم بسزا و قابل توجهی را به خود اختصاص داده است (نوروزی، ۱۳۹۲).

اصلی ترین شاخص که براساس آن می توان به بسط مفهوم خانه پرداخت فضا است. فضای خانه همان درونی است که در آن وقوف حاصل می شود. پیدایش معماری، حاصل درک انسان از فضا دانسته می شود: برداشت مثبت و زنده وار از فضا، بانی تمام آفرینندگی های معماری است (بختیار، ۱۵ ص، ۱۳۸۰).

۲- خانه؛ تعریف و مفاهیم

هر فضایی که بتوان در آن به واقع مسکن گزید، مفهوم خانه را از آن خود میکند. خانه مکان تأمل و تعامل روح و جسم انسان است و به نقل از بشلار، به ما این امکان را می دهد که در آرامش در خیالات خود غرق شویم (هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۱۰).

۳- فضا

تعریف واضح درباره فضا را یورگ گروتز چنین آرایه میکند: نزدیکترین تعریف این می باشد که فضا را خلأی در نظر بگیریم که شیئی را در خود جای دهد و یا از چیزی آکنده شود. فضا موجودیتی نیست که تعریف دقیق و مشخصی داشته باشد، با این حال قابل اندازه گیری است (گروتز، ۱۳۸۶).

۴- سازماندهی فضایی

انتظام فضایی، نظامی که ساختار بایدها و نبایدهای الگوی حرکتی و زندگی را مشخص می کنند و مفرهای را ایجاد می نمایند که قابلیت تحقق عملکردهای مختلف در آن فراهم می شود (تقوایی، ۱۳۸۶، ص ۵۰).

۴-۱ نظام فضایی معماری ایران

شیوه بهره مندی از فضا در معماری ایرانی، شیوه درونگرایانه بوده است. نظام های معماری ایران هم در بخش های اصلی و هم در بخش های فرعی بنا دیده می شوند و مجموعه ای از فضاهای باز، بسته و نیمه باز و مرتبط با یکدیگر را ایجاد کرده اند که در ساختار این نظام ها پارامترهای اقلیمی و متاثر از طبیعت مورد توجه قرار می گرفتند. در کل این نظام ها از یک زیر نقش کلی به نام سلسله مراتب مفهومی تبعیت می کرده اند که این نظام خود را در معماری به صورت سلسله مراتب دسترسی از بیرونی ترین فضا به اندرونی ترین و یا از کم اهمیت ترین به مهمترین آنها، به منصف ظهور رسانده است (سلطانعلی، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

مسکن یکی از مهمترین فضاهای معماری است که به عنوان خصوصی ترین فضای زندگی انسان رابطه مستقیم با او برقرار می نماید. معماران سنتی با توسل به هندسه به عنوان نظام تنظیم و کنترل فضاهای مختلف و با درک و تجسم فضایی، تناسبات و ابعاد را تعیین و ساختار اصلی خانه سنتی را ایجاد می کرده اند (مسائلی، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

۴-۲ مسکن سنتی و سازمان دهی فضا

سازماندهی فضا در خانه های سنتی، ارتباط چند جانبه فضا با یکدیگر است. بر اساس چنین شیوه ای از تعریف و ترکیب فضا امکان تجربه های گوناگون برای حضور آدمی فراهم می شده است. هیچ فضایی در این خانه ها در خود تمام شده و مسدود نیست. هر فضایی در عین استقلال، امکان ترکیب با پیرامون خود دارد. استوارترین ضابطه جهت سازماندهی فضای خانه های تاریخی در نظر گرفتن همزمان بیرون و درون می باشد که بر این اساس سازماندهی توأمان فضاهای باز، پوشیده و بسته مدنظر بوده است. در این رابطه فضاهای پوشیده در حد فاصل این دو گونه فضا، نقش مفصل و اتصال را برعهده داشته اند (کاشانی جو، ۱۳۹۰، ص ۵۰).

اگر کوچکترین واحد معمارانه را در معماری ایران، سرپوشیده ساده ای بدانیم که اتاق نام دارد و شکل به هم پیوستن و جفت و جور شدن این سرپوشیده ها و اتاق ها را دور حیاط نوعی ترکیب در نظر گیریم، می توانیم یکی از صورتهای پایدار و همیشگی گذشته معماری ایران را اتاق هایی دور حیاط بدانیم. رابطه میان «جزء و کل» است. از سویی هر کدام از اجزای تشکیل دهنده، خود به گونه ای یک «کل» اند و آنچه با آن رو به روییم «جزء کمال یافته» و «کل کمال» یافته است (صارمی، رادمهر، ۱۳۷۶).

۴-۳ سلسله مراتب و سازمان فضایی

پس از گذشتن از سلسله مراتب شهر و رسیدن به خانه ورود به آن نیز دارای سلسله مراتبی است. در خانه ایرانی شخص پس از گذر از در به فضای هشتی می رسد که نیمه عمومی است و نیمه ایستا، سپس از دالان می گذرد و به حیاط خانه می رسد. حیاط به عنوان یک فضای واسط به فضای پیرامون خویش معنی داده و روابط عملکردی و مراتب بعدی دسترسی را سامان می بخشد. ایوان نیمه خصوصی، نیمه باز و سپس اتاق (خصوصی-بسته) در لایه های بعدی بدنه حیاط قرار می گیرند. در خانه ایرانی نیز شخص گذر از کل به جزء را در ارتباط با فضا و زمان در می یابد (پوردیهیمی، ۱۳۹۰).

۵- اصول و ویژگی های سازمان فضایی خانه های سنتی

معماران گذشته قبل از اینکه تصمیم بگیرند که در کدام جبهه کدام فضا را قرار دهند، درصد سهم هر فضا از مجموع زیربنا را مشخص می کردند. به طور مثال درصد مشخصی از مساحت کل خانه را به ایوان اختصاص می دادند، این سهم به طور میانگین مشخص شده است، سپس با توجه به تاثیر گردش خورشید بر جبهه های مختلف خانه، هر جبهه را به فصل و ساعتی اختصاص می دادند. با توجه به اینکه بنا یک آسایشگاه اقلیمی است. در قرار دادن فضا در اطراف میانسرا، آن چیزی که مهم است، فضای پشت به آفتاب و رو به آفتاب است که باید در دو سوی محور اصلی بنا قرار بگیرند و همزمان سعی نمودند که این محور را با قبله هماهنگ کنند و این به معنی چند جنبه نگری معماران ایرانی می باشد (معماریان، ۱۳۸۴) از این رو جبهه رو به آفتاب بخش زمستان نشین و جبهه پشت به آفتاب بخش تابستان نشین و جبهه غربی برای ساعاتی از روزهای سرد زمستان در نظر گرفته می شود و برای پرهیز از تابش آفتاب زیاد به جبهه شرقی برای آن، طاقنما تعبیه می کردند (پیرنیا، ۱۳۸۷) تقسیم بندی های یاد شده براساس اولویتها هستند و گرنه با اتخاذ عوامل مناسب مختلف می توان هر چهار طرف را در چهار فصل سال قابل استفاده نمود مگر قسمت شرقی در تابستان را. بدین ترتیب در قسمت شمالی بنا که مرغوب ترین فضا است یک ایوان ستون دار به همراه فضاهای تشریفاتی مانند طنبی و طهرانی قرار می گیرد. این پیش آمدگی باعث می شود که در زمستان آفتاب تا انتهای فضا عبور کند و در تابستان به دلیل عمود بودن زاویه خورشید آفتاب وارد فضا

نگردد. به همین ترتیب در قسمت جنوبی تختگاه و در قسمت غربی نیز فضاهای دو دری و سه دری و... قرار می دهند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴). در شرق بیشتر فضاهای کم اهمیت مثل انبار و ... را قرار می دهند یا آن قسمت را به رفع ناگونمایی زمین اختصاص می دهند. در این راستا برای کاهش تابش نور خورشید در فضاها، معماران از برخی عناصر همانند تابش بند، گلجام، خرک پوش و... استفاده می نمودند (کیانی، ۱۳۷۹).

۵-۱ سلسله مراتب فضایی

سلسله مراتب فضایی در خانه سنتی درجات تغییر فضا از یک عرصه به عرصه دیگر می باشد، از عرصه کاملاً عمومی به عرصه کاملاً خصوصی، این مفهوم متضمن تفاوت میان درون و بیرون می باشد. (ارمغان و ثروت جو، ۱۳۹۱). فضاهای خانه های سنتی هم به صورت عمودی، هم افقی سازماندهی می شوند. در سطح افقی این طراحی براساس سلسله مراتب حریم خصوصی از بیرون خانه تا فضای داخلی خانه و همچنین، تنوع درجات قوت نور تاریکی است که منتهی به مرکز حیاط می شود. در سطح عمودی، این طراحی براساس جهت و افزایش فشار آب ورودی، هشتی و دالان و حیاط مجموعه ای از فضاهای به هم پیوسته اند که به طور نظام مند به بخش خصوصی منتهی می شوند، با این ویژگی که در نهایت حریم خصوصی را حفظ می کند (کاتب ۱۳۸۵، ص ۳۳۸).

۵-۲ حریمت فضایی

حریمت نه تنها بر تمایز درون و بیرون خانه بلکه بر تمایز درون با درون خانه نیز حاکم است. حریمت بیرونی را نظام سلسله مراتب فضایی و حریمت درونی را اتاق ها و دهلیزها تضمین می کند (ارمغان، مهتاب و حمید ثروت جو، ۱۳۹۱). یکی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه ای معماری ایران را درون گرا ساخته است. معماران ایرانی با ساماندهی اندام های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میانسرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می داد (نورآقایی، ۱۳۸۶).

۵-۳ تقارن

تقارن عموماً با محور و مرکزیت همراه است. تقارن در خانه های سنتی ایران با ضرباهنگ و ریتم خود، تعادل و تنوع را برای فضاها ایجاد کرده است (ارمغان و ثروت جو، ۱۳۹۱). تقارن از نوعی نگاه معتدل و اندیشمندانه نشأت می گیرد که سعی میکند بین وزن های مختلف درگسترده بصری نمای ساختمان تعادل ایجاد نماید (رجبعلی، مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۴۱۵).

۵-۴ محور

محور ابتدایی ترین وسیله سازماندهی فرم ها و فضاهای معماری است. محور گاه حضوری بارز و شاخص داشته و زمانی فرضی و غیرقابل رویت است. محورها عموماً تقارن را القا می کنند و به دلیل شکل خطی خود، مسیر و حرکت را در جهت خود تقویت می کنند (ارمغان و ثروت جو، ۱۳۹۱). محور بندی افقی حوزه های فضایی را در سطح پیوند می دهد. در محل تلاقی این محور با محور عمودی به کمک تناسباتی که با ارتفاع متناسب بدنه ها و سقف ها ایجاد می شود، این نقاط عطف و وحدت آفرین از زمین کنده شده و سبک و سیال در فضا قرار می گیرند (نقره کار، ۱۳۷۹).

۵-۵ آسایش اقلیمی

معماری سنتی ایران همواره در تمامی سطوح، معماری متقابل با اقلیم و پاسخگویی نیازهای آسایشی ساکنین بوده است و عناصر به کار گرفته شده در این معماری بسیاری از مفاهیم نوین در عرصه معماری پایدار را در بر دارد (توسلی، ۱۳۸۱).

۵-۶ الگوهای فضایی

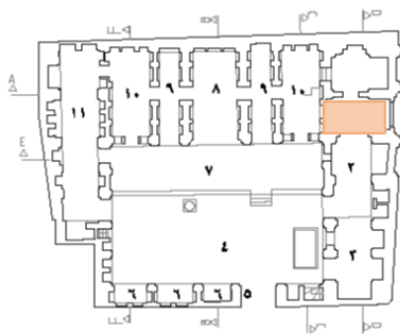
سه گروه فضایی کاملاً مشخص و متمایز در تمامی خانه‌ها وجود دارد، گروه فضاهای باز، گروه‌های فضایی بسته، گروه‌های فضایی سرپوشیده (نیمه بسته، نیمه باز). گروه فضاهای باز و همه فضاهای بسته به طور غیرمستقیم و عمدتاً از طریق فضای سرپوشیده با حیاط ارتباط دارند (حایری، مجله معمار ۱۸).

الگوهای فضایی در خانه تیزنو دزفول

۱- **ورودی خانه**: عقب نشینی ورودی از گذر (تصویر ۱)، از بعد دینی نمایانگر اعتقاد مردم به عدم تجاوز به حقوق دیگران است (سلطان زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۷۶).

در ورودی، درحقیقت کنترل کننده ارتباط داخل و خارج بناست. این مسئله سبب شده که در طراحی ورودی تمهیداتی اندیشیده شود، از جمله می توان به ایجاد اختلاف سطحی بین آستانه در و سطح گذر اشاره کرد که جهت تمایز بین دو فضا به بهترین شکل و انتقال افراد از یک فضا به فضای دیگر با تأنی است از این مسئله در بعد هنجارهای ملی و بعد دینی (مردم واری) جای می گیرد. نکته جالب توجه در طراحی درها ی خان ههای سنتی، مشخص شدن جنسیت مراجع از طریق قرارگیری دو کوبه با صداهای متفاوت بم (مردانه به نام کوبه- کلون سمت چپ) و زیر (زنانه به نام حلقه -کلون سمت راست) که این مسئله نشانگر اهمیت محرمیت از بعد دینی بوده است (همان ص ۹۳).

۲- **هشتی**: در طراحی این فضا، به عنوان پیش فضای ورودی، تمهیداتی اندیشیده شده است (تصویر ۲)، از جمله می توان به لحاظ بعد دینی (اصل محرمیت) با باز شدن در منزل دید مستقیم به داخل فضای خصوصی وجود ندارد. همچنین این فضا برای ایجاد آمادگی ذهنی آیندگان برای ورود به فضای اصلی است. درحقیقت، معمار در این مرحله با کاستن روشنایی فضا نسبت به گذر و افزایش مرحله به مرحله نور در مسیر حرکت به سمت حیاط شخص را برای دیدن فضایی جدید کنجکاو کرده و آماده می نماید. همچنین وجود کاربردی در سقف این فضا، علاوه براین که شخص مرحله به مرحله با تزئینات منزل آشنا می شود، ارتفاع محیط را به ارتفاع انسانی نزدیک می کند و شخص وارد شونده احساس حقارت نمی کند (مردم واری و بعد دینی) و در همین مرحله فرد فرصتی برای تصمیم گیری می یابد (بمانیان، غلامی رستم، رحمت پناه، ۱۳۸۹).

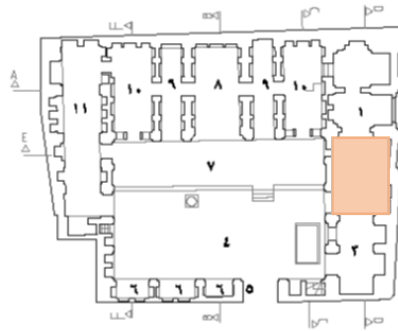


تصویر ۲- هشتی خانه تیزنو دزفول



تصویر ۱- ورودی خانه تیزنو دزفول

۳-دالان : معمار با هوشمندی شخص را از فضای نسبتاً تاریک هشتی به سمت حیاط بیرونی می برد (تصویر ۳)، سلسله مراتبی در نورپردازی ایجاد می کند و او را برای ورود به فضای پر نور حیاط آماده می کند (بمانیان، غلامی رستم، رحمت پناه، ۱۳۸۹).



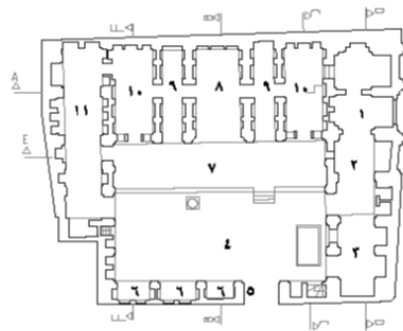
تصویر ۳-دالان خانه تیزنو دزفول

۴-حیاط: حیاط خانه تیزنو دارای ویژگی هایی به شرح زیر است. (تصویر ۴ و ۵)

به لحاظ بعد دینی ابتدا درونگرایی (خلوت با خدای خود، اندیشه در کار خلقت و یکی از ویژگی های اصلی ایرانیان مسلمان است) بدیهی است که معمار مسلمان ایرانی به عنوان یک اندیشه ورز با ذهنی درونگرا به تفکر در حیطة معماری پرداخته و نتیجه آن پیدایش معماری درونگرا بوده است. دوم اینکه حرمت زندگی شخصی افراد و راه نیافتن نگاه نامحرم به خانه، از دیگر موارد مهم در شکل گیری معماری درونگرا مؤثر است. (طبسی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۰).



تصویر ۵- حیاط خانه تیزنو دزفول



تصویر ۴- حیاط خانه تیزنو دزفول

۱. هشتی ورودی

۲. دالان ورودی

۳. اصطبل

۴. حیاط (اندرونی)

۵. محل آب انبار

۶. ایوانچه

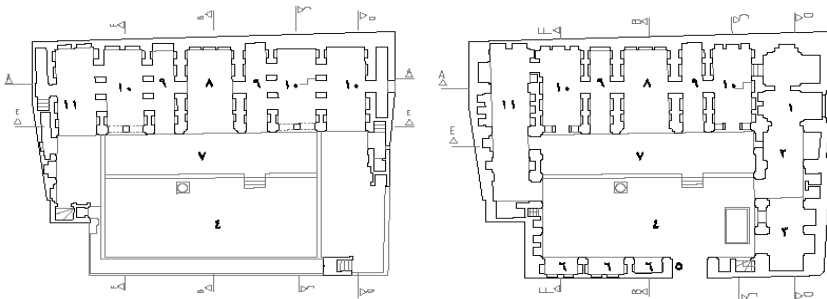
۷. صفت

۸. ایوان اصلی

۹. غلام گردش

۱۰. اتاق

۱۱. مهمانخانه



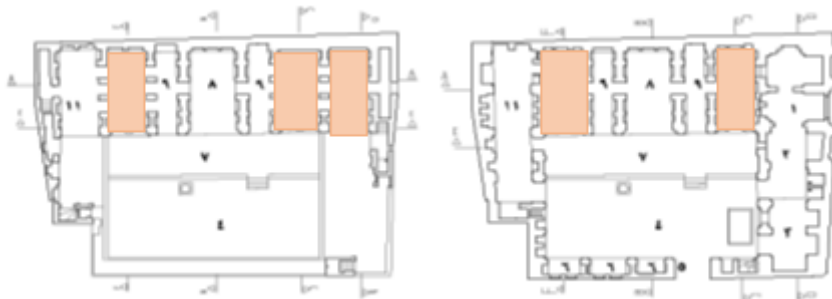
تصویر ۶- پلان اجزاء فضاهای خانه تیزنو دزفول

ایوان

ایوان یکی از عناصر ویژه معماری ایران که فضایی نیمه باز نیمه بسته می باشد یکی از تمهیدات عالی این نوع نگرش و همزیستی با طبیعت است. ایوان خانه تیزنو غیر از تنظیم منظر در قالب تصویری محاسبه شده، روشنایی میانه (سایه روشن ها) را نیز در برگرفته و حد رابط بین فضای خارجی و داخلی است. که در تعدیل و تنظیم کیفیت هوای مطلوب در این منطقه کاملاً موثر بوده است (رحیمیه ۱۳۵۳، ص ۴۷).

۵- اتاق

در مسکن سنتی دزفول اتاقهای خانه بسته به موقعیت زمین و نحوه ورود به خانه در هر جبهه ای می توانند قرار بگیرند، منتها بسته به جبهه قرارگیری، تمهیدات فضا برای مقابله با شرایط اقلیمی تفاوت می کند (تصویر ۷). در حالی که امکان ایجاد فضاهای تابستان نشین و زمستان نشین بوده از فضاهای رو به جبهه های شمالی (شمال غربی-شمال شرقی) در تابستان استفاده می کردند و تعداد بازشو ها را نیز به حداقل می رساندند تا میزان نفوذ گرما در کمترین حد باشد. (حبیبی، ۱۳۷۱، ص ۳۹) در خانه تیزنو نیز از فضاهای رو به جبهه های جنوبی (جنوب غربی - جنوب شرقی) در زمستان استفاده می کردند و تعداد بازشوها متناسب با ابعاد و تناسب فضا بود.



تصویر ۷- اتاق های خانه تیزنو دزفول

۶- شبستان و شوادان

شوادان ها یکی از ویژگی های خاص و ویژه معماری دزفول است که کاربری های متنوعی داشته است از جمله کار تهویه هوا و خنکی ساختمان را بر عهده داشته، به این صورت که شوادان دریچه ای در بیرون و در داخل خانه برای ورود هوا داشته و با توجه به عمق شوادان و رطوبت موجود در آن و همچنین گردش هوای این هوای خنک از طریق کانال هایی در بخش های مختلف ساختمان توزیع می شده است (نگارنده).

۷- بررسی نماها: اولین ویژگی نماها وجود تقارن در آنها است (تصویر ۸). علت تقارن در نمای داخلی علاوه بر مسئله سهولت در طراحی ساختار و سازه بنا، از نظر بعد دینی نمایانگر یگانگی و محوریت خداوند است. معمار مسلمان همواره در همه چیز مرکز را میبیند و اندیشه مرکزگرا دارد. این اصل اساسی همواره در معماری اسلامی، سبب شکل گیری اشکالی شده که محور یا مرکزی مشخص دارد که سرچشمه تمامی اجزا می باشد (مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۴۱۵).

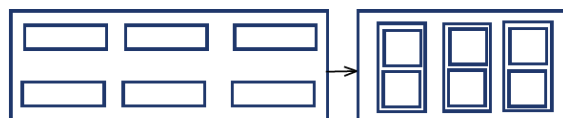
معمار سنتی برای ایجاد آرامش بصری در نما، روزه ها را طوری قرار می دهد که چشم به راحتی و آسانی از یک عنصر در نما به عنصری دیگر حرکت کند. ترتیب شطرنجی بر اساس خطوط افقی و عمودی روشن ترین پاسخ است (ذوالفقارزاده، ص ۱۷۵).



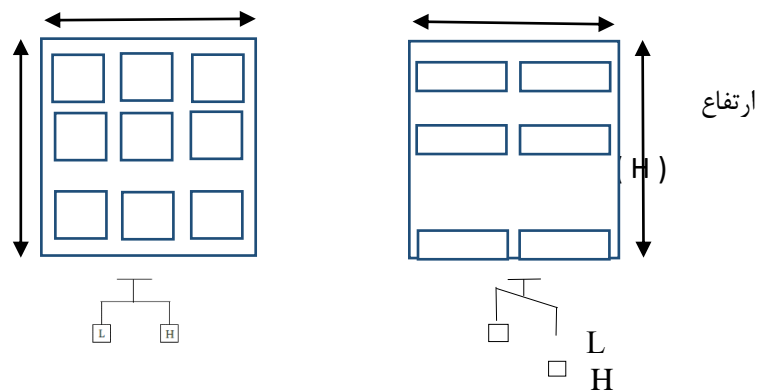
تصویر ۸- نمای جنوبی خانه تیزنو دزفول

نسبت نامطلوب سطوح برابر به سطوح پنجره ها ی بزرگ یا پنجره ها ی بی تناسب از نظر بصری نما را ضعیف جلوه می دهد. قسمت اول تصویر ۹ نشان می دهد که سطوح وسیع پنجره استحکام نمای آجری را ضعیف کرده است. اما در قسمت دوم وسعت و غلبه سطح بدنه آجری باعث می شود که از نظر بصری نمایی استوار ایجاد شود.

تعادل در بدنه ها، به معنای برابری، هم تراز ی یا هم بستگی وزن ها ی بصری در نماست که در این خانه وجود دارد. برای آرامش در نما باید تمام نیروها ی بصری در یک نما یکدیگر را خنثی کنند. در تصویر ۱۰ قسمت الف میان نیروها تعادل نیست و در قسمت ب تعادل برقرار است (ذوالفقارزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴-۲۰۴).



تصویر ۵- استحکام بصر



تصویر ۶- تعادل در نما

نتیجه گیری

معماری سنتی ایرانی هنر و فن سازماندهی خلاق فضا بوده است. سازماندهی بهینه فضایی و ایجاد سلسله مراتب مطلوب در سکونتگاه به دلیل حضور دائمی انسان در این فضا امری ضروری است. سازمان فضایی و مفاهیم پیچیده معماری سنتی ایران درباره فضاهای عمومی و خصوصی مصداقی یکسان دارد. نحوه محصور شدن و شاخص شدن محورهای اصلی و فرعی در فضاهای شهری و مسکونی یکسان است و این تشابه به واسطه تبعیت الگویی می باشد. نخستین تفاوت بین دو فضای متفاوت بسته و باز بودن آن فضا است. معماری ایران در تبدیل این دو فضا، بسیار ماهرانه عمل کرده و ارتباط آنها را از طریق سلسله مراتبی از فضاهای نیمه باز و نیمه بسته برقرار می کند. ادراک فضایی و احساس آرامش و زیبایی در بناهای سنتی بدلیل انتظام دو فضای بیرون و درون است. بدین ترتیب بناهای سنتی ایران به محیط پیرامون خود شکل داده و از آن شکل می گرفتند. فضاهای باز شخصیتی مستقل داشته و با وجود ماهیت فضایی آزاد طرحی معمارانه محسوب می شوند. فضاهای نیمه بسته در ملموس تر شدن فضای درون و بیرون موثر می باشند. فضاهای بسته با تکرار خود فضاهای باز دیگری به وجود می آورند.

سازمان قرارگیری فضای درون و بیرون موثر می باشند. فضاهای بسته با تکرار خود فضاهای باز دیگری به وجود می آورند. سازمان قرارگیری فضاهای در بدنه نسبتاً ثابت و در گوشه ها متغییر است. همواره بین کل و جز فضا رابطه عمیقی وجود دارد و هر عنصر سهم معینی از جرم و فضا دارد. و همچنین انواع شیوه تعریف عناصر سقف، کف و دیوار برای ایجاد انواع حضور نور و هوا به منظور ارائه کیفیت های مختلف برای حضور انسان در فضا، در ساماندهی خانه های سنتی نقش اساسی ایفا می کند. تغییرات الگوی سازماندهی در دوره معاصر بیشتر نمود یافته، به گونه ای که در ساختمان های معاصر فضاهای باز و پوشیده و بسته به میزان زیادی کاهش یافته است و سازمان فضایی خانه های معاصر در اکثر موارد به دو قسمت حیاط و بنا خلاصه میشود و حالت های الگوهای فضایی به سمت مشابهت و خنثی بودن میل کرده اند. و آسایش اقلیمی ساکنان به وسایل مکانیکی محول می گردد. امروز با گذشت زمان و تغییرات ایجاد شده در شیوه زندگی و نیازهای انسان، نمی توان فرم های پیشین را باز آفرینی نمود ولی با درک الگوهای معماری سنتی و مفاهیم نهفته در آن از قبیل سلسله مراتب فضاهای باز و بسته، محرمیت، احترام به طبیعت و کاربرد عناصر آن در طراحی و استفاده از نور روز و تهویه طبیعی فضاها و... کاربرد بهینه آنها در طراحی معماری فضاهای مسکونی، آثار معماری با ارزش متناسب با نیازهای کاربران ایجاد نمود.

منابع

۱. ابوالقاسمی، لطیف (۱۳۸۴)، " هنر و معماری اسلامی ایران " ، چاپ اول، تدوین: علی عمرانی پور، تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری
۲. اردلان، نادر و بختیار، لاله، (۱۳۸۰)، حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی، نشرخاک، تهران
۳. ارمغان، مهتاب و حمید ثروت جو، ۱۳۹۱، سازماندهی فضایی مسکن معاصر: بهره گیری از الگوهای معماری سنتی، همایش ملی صدسال معماری و شهرسازی ایران معاصر، کرج، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان البرز
۴. پوردیهمی، ش(۱۳۹۰)، فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، ص ۱۸-۳
۵. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۷)، "معماری ایرانی" ، تدوین: غلامحسین معماریان، چاپ اول ۱۳۸۷، تهران، سروش دانش
۶. تقوایی، ویدا، (۱۳۸۶)، "نظام فضایی پنهان معماری ایرانی و ساختار آن" هنرهای زیبا شماره ۳۰، تهران
۷. توسلی، محمود، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، انتشارات پیوند نو، تهران، ۱۳۸۱
۸. ذوالفقارزاده، حسن، اصول پویا در معماری گذشته ایران، سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، (ارگ بم)، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴-۲۰۴
۹. رجبعلی، مظلومی، روزنه ای به باغ بهشت، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه هنر های اسلامی، تهران، (۱۳۶۶)، ص ۴۱۵
۱۰. سلطانزاده، حسین، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، معاونت امور اجتماعی و شهرداری تهران، ۱۳۷۲
۱۱. سلطانعلی، اکرم، (۱۳۹۰)، "تحلیل انتظام فضایی در طراحی معماری مسکن سنتی و معاصر ایرانی، نمونه موردی شهر گرگان"، اولین همایش مسکن ایرانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز
۱۲. صارمی، علی اکبر و رادمهر، تقی (۱۳۷۶)، "ارزش های پایدار در معماری ایران" ۱۳۷۶، تهران، انتشارات میراث فرهنگی
۱۳. طبسی، محسن و معصومه مختاری، ۱۳۹۳، بررسی و تحلیل سازماندهی فضایی در خانه های قدیمی دوره قاجار شهر یزد
۱۴. طبسی، محسن، بازتاب هویت ایرانی در معماری اسلامی ایران، از هویت ایرانی (سلسله مقالات و گفتارهایی پیرامون هویت ایرانی)، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۳۷۰
۱۵. کاشانی جو، خشایار و رعیتی دماوندی، مهرانه، (۱۳۹۰)، "ارزیابی طراحی خانه های سنتی ایران با معیار مسکن پایدار"، اولین همایش مسکن ایرانی، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز
۱۶. کیانی، یوسف (۱۳۷۹) ، "معماری ایران در دوره اسلامی" چاپ چهارم، ۱۳۸۵
۱۷. مسائلی، صدیقه، (۱۳۸۸)، "نقشه پنهان به مثابه دست آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران"، هنرهای زیبا، شماره ۳۷، تهران
۱۸. معماریان، غلامحسین، (۱۳۸۴)، "سیری در مبانی نظری معماری" چاپ سوم (۱۳۸۷)، تهران، سروش دانش

۱۹. نورآقایی، آرش (۱۳۸۶)، معماری ایرانی، معماری درون گرا، نشریه تهران امروز
۲۰. نوروزی، م، شایسته، ش. (۱۳۹۲)، تاثیر فرهنگ بر معماری بومی، معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار.
۲۱. هاشمی، محمد علی، (۱۳۷۵)، "گاستون بشلار و خانه خیال"، آبادی، شماره ۲۳، ص ۱۰-۱۸، تهران